

روایت پیشرفت؛ فراسوی یاوه

درباره ضرورت اندیشیدن انضمامی به پیشرفت



رئیس جراحی از راه دور سینا

متن مملو بود از جملاتی از این قبیل که «جامعه دینی مبتنی بر شکل‌گیری مناسبات اجتماعی بر اساس اصول و ارزش‌های دینی است و دینداری فردی آحاد جامعه به تنهایی ضامن تحقق جامعه دینی نیست.» یا «تحقق ارزش‌ها موجب پیشرفت دنیوی و سعادت اخروی است»؛ انبوهی از کلیات انتزاعی و این‌همان‌گویی که می‌توانستند بخشی از یک خطبه ملال‌آور و محافظه‌کارانه در ظهر جمعه باشند یا بخشی از کتاب بینش اسلامی در دوره متوسطه قدیم. از بدروزگار ما، یا از بخت خوش جملات و نویسندگان‌شان بود

از جمله مهم‌ترین و سترگ‌ترین موانع ما در مسیر پیشرفت و اندیشیدن بدان، بلیه انتزاع‌اندیشی است. بلیه‌ای مؤلمه که اندیشیدن به پیشرفت را اغلب به مرز امتناع کشانده است. اندیشیدن درباره پیشرفت منهای ملاقات با واقعیت عبارت است از «بحث‌های ذهنی» و «مباحث تئوریک بدون توجه به خارج و واقعیات» که امکان خلق نظریه و ایده‌ها را از ما گرفته است. در نتیجه می‌بینیم گاهی حاصل پژوهش در باب پیشرفت، در عالی‌ترین سطوح به انشاهای توتولوژیک و کلی‌گویی‌های بی‌حاصل و کلامی می‌ماند.

برای توضیح بیشتر، مرور یک تجربه تلخ، خالی از لطف نیست. چند سال قبل از سوی یک مرکز پژوهشی رسمی، متنی منتشر شد که عنوان «سند پایه الگوی پیشرفت» را یدک می‌کشد و با عناوین مجعولی از این دست توصیف و تجلیل می‌شد. متن مملو بود از گویه‌هایی بدیهی که می‌توانست بداهه‌گویی‌های یک ذهن خطایی و بخشی‌هایی از خطابه‌های تکراری و رسمی باشد اما نبود، محصول سال‌ها پژوهش یک یا شاید یک سلسله از مراکز پژوهشی معظم بود!



مجتبی نامخواه

مدیر گروه
مطالعات اجتماعی
پژوهشکده تبلیغ
و مطالعات اسلامی
باقرالعلوم^(ع)